

## لوح دنیا

شاپور راسخ

مقدمه

لوح دنیا به تصدیق جناب ادیب طاهرزاده (۱) در سال ۱۸۹۱ به افتخار آقا میرزا آقای افنان (نورالدین) نازل شده که مادر وی خواهر خدیجه بیگم همسر حضرت اعلیٰ بود. همان طور که حضرت اعلیٰ در سجن ماکو پیش‌بینی و اظهار فرموده بودند این آقا میرزا آقا که دو سال قبل از اعلان امر حضرت باب متولد شده بود پس از وصول به سن بلوغ، بقیه عمر را از جمله صرف خدمتگزاری خاله خود نمود. خدیجه بیگم به او امر جدید را اعلام و ابلاغ فرمودند و نامبرده در سن ۱۳ سالگی موفق به ایمان شد. بر اثر مساعی میرزا آقای افنان بود که حاجی میرزا سید محمد خال حضرت باب در بغداد به لقای حضرت بهاء الله شتافت و مخاطب و حامل کتاب مستطاب ایقان شد. بعد از اظهار امر مبارک در باغ رضوان در بغداد، حضرت بهاء الله نبیل اعظم را مأمور ابلاغ ظهور جدید به بابیان فرمودند و در منزل آقا میرزا آقا بود که نبیل این بشارت را به دوستان شیراز داد و آقا میرزا آقا هم سر تصدیق فرود آورد و بعدها مورد الطاف بسیار حضرت بهاء الله قرار گرفت از جمله تولیت بیت مبارک شیراز را به وی سپردند. در ۱۸۸۸ به همراهی پسر ارشد خود آقا سید آقا به حضور جمال مبارک در عکا رسید. بعد به اجازه مبارک در پرت سعید مستقر شد و مکرراً منجمله یکبار با اعضای خانواده خود شرف لقا حاصل کرد.

لوح دنیا در حیفا در سفر آخرین هیکل اقدس به آن صفحات نازل شد (۱۸۹۱) (۲) و به حاج میرزا بزرگ پسر آقا میرزا آقا عنایت شد که به پدر خود رساند. زمان نزول لوح مزبور مقارن است با اوقاتی که جناب علی قبل اکبر ایادی و حاج ابوالحسن امین هر دو در زندان قزوین بسر می‌بردند لذا در آغاز لوح مبارک آمده: "حمد و ثنا سلطان مبین را

لایق و سزااست که سجن متین را به حضور حضرت علی قبل اکبر و حضرت امین مزین فرمود". این هر دو همزمان با جناب ابن ابهر به دستور کامران میرزا نائب السلطنه توقیف و محبوس شدند. (۳)

در این لوح مبارک هم اشاره‌ای به عظمت امر و درخشش آینده آن دیده می‌شود مثلاً "خیمه امر الهی عظیم است جمیع احزاب عالم را فراگرفته و خواهد گرفت" که احزاب در این جا معنی امروزی نیست بلکه اقوام و امم معنی می‌دهد و نیز: "از حرکت قلم اعلیٰ روح جدید معانی به امر آمر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا" یا "در سنه ثمانین عالم بنور جدید و روح بدیع فائز گشت" و عباراتی از این قبیل. از اختصاصات لوح دنیا خطاب‌ها و عتاب‌های مکرر به اهل ایران و اصحاب آن کشور است که در گذشته به نور خرد و دانش منور بودند و اکنون به هلاکت خود و دوستان خود قیام کرده‌اند یا این که با وجود اسبقیت در علوم و فنون "حال پست‌تر از جمیع احزاب عالم مشاهده می‌شوند" و نظائر آن (۴) و در عین حال حضرت بهاء الله یادآور می‌شوند که "این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه‌ای نبوده و نیست" و اهل عالم عموماً مخاطب آن هستند. این جنبه جهانی امر بدیع در عین اشارات مکرر به ایران جلب توجه خواننده را می‌کند: "بیاناتی که از قلم مظلوم نازل شده سبب اعظم است از برای ارتفاع عالم و ارتقاء امم" یا دعوت احباء به این که "در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید" و یا این که تعالیم این ظهور در جهت رفع اختلافات و ایجاد اتحاد "باب اعظم است از برای تربیت اهل عالم" به همین مناسبت است که پنج فقره حکمی که به شماره در متن لوح مبارک آمده اکثراً مربوط به کل جهان است:

۱- اجرای صلح اکبر ۲- تعلیم خط و زبان بین‌المللی واحد ۳- توسل به هر چه سبب الفت و اتحاد است (از جمله معاشرت با کل ادیان به روح و ریحان) ۴- اجرای تربیت و تعلیم اجباری همه اطفال ۵- توجه کامل به امر زراعت

لوح مبارک حاوی اشارات تاریخی متعدد است از جمله اشاره به حبس ایادی امرالله و امین حقوق الله و گله از اصحاب پاره‌ای از مطبوعات و ذکر معوق بودن امر زراعت در ایران، و چند مورد دیگر و نیز لوح مربرور مشحون از نضایح اخلاقی به اهل بهاء و دیگر اهل عالم است هم چنین بعضی اصول سیاست مَدَن را دربر می‌گیرد چون تجویز حکومت دموکراتیک پارلمانی، اجرای صلح و رهائی از مخارج سنگین تسلیحات، اهمیت خشیه‌الله در جلوگیری از فساد، ستایش علمائی که به هدایت نفوس مشغولند و خود اهل تقوی هستند

محتملاً همین جنبه لوح مبارک است که عنوان دنیا را بر آن زیننده ساخته است. توصیه‌های اخلاقی متعدد هم در جهت خدمت به اهل عالم عز نزول یافته است.

### معانی کلمه دنیا

کلمه دنیا در آثار مبارکه به سه معنی عمده بکار می‌رود:

اول، دنیا به معنی عالم مادی و جهان پست در برابر عالم بالا و فضای عقبی که بیشتر مصداق عرفانی دارد یعنی توجه به بی‌ارزشی مادیات و دعوت به دل‌کندن از دنیا و مافیهاست یعنی آن چه انسان را از خدا دور می‌کند و در این معنی، کلمات مکنونه حضرت بهاء‌الله مکرراً داد سخن داده است. (۵)

دنیا در معنای عالم مادی و پست در این عبارات لوح سلمان مذکور است:

- "این که مشاهده می‌نمایی که بعضی از ناس به عزت دنیا مسرورند و به علو آن مغرور، این از غفلت آن نفوس است."

- "دنیا در مرور است و عنقریب کلّ من علی الارض از آن چه مشاهده می‌نمائی به تراب راجع خواهند شد." (۶)

دوم، دنیا یا مرادف آن عالم به معنای جغرافیائی آن که کره زمین و سکنه آن را در بر می‌گیرد و عبارات بسیار در لوح منبع دنیا معطوف به این معنای دنیاست مثلاً:

- "خیمه امر الهی عظیم است جمیع احزاب عالم را فرا گرفته و خواهد گرفت"

- "دود تیره ستم، عالم و امم را احاطه نموده"

- "ظالم‌های عالم حقوق امم را احاطه نموده"

- "این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه‌ای نبوده و نیست باید اهل عالم طراً به آنچه نازل شده و ظاهر گشته تمسک نمایند."

سوم، دنیا در معنای سیاسی و اقتصادی که در آثار مبارکه به عنوان واحد کلّ یا کلّ واحد مطرح شده است. مثلاً در همین لوح مبارک آمده است که: "لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحب العالم." یا "بیاناتی که از قلم مظلوم نازل شده سبب اعظم است از برای ارتفاع عالم و ارتقاء امم" و یا "در فکر اصلاح عالم و هدایت امم باشید."

هر چند سابقه توجه به دنیا به عنوان واحد کلی یا کلّ وحدانی را در آثار جمال اقدس ابهی باید جست، اما در نیمه دوم قرن بیستم بود که علما برای بار نخست متوجه شدند که جهان را می‌توان به عنوان منظومه یا سیستمی واحد مورد بررسی قرار داد و این توجه به

جنبه فراگیر جهان خصوصا در علم اقتصاد پدید آمد. (۷) والراشتاین در سال ۱۹۷۴ نوشت که جهان به عنوان منظومه‌ای واحد زندگی خاص خود را دارد فارغ و مستقل از حیات جامعه‌های ملی که آن منظومه جهان را تشکیل می‌دهند. یکی از اولین برخوردهای متفکران با دنیا به عنوان یک منظومه وحدانی در زمینه امور اقتصادی بود که از طریق بررسی تحول کاپیتالیسم (نظام سرمایه‌داری) در پهنه جهان غرب و مناطق دیگر (از قرن شانزدهم تاکنون) حاصل آمد. جنبه دیگر مطالعه این منظومه جهانی World System عبارت است از توجه به توزیع نابرابر مبادلات بین مرکز (یعنی ممالک صنعتی غنی) و حواشی جهان (یعنی ممالک غیر صنعتی) و نیز توجه به وجود سیکل‌های رونق و کساد در اقتصاد جهان (ادوار طولانی). (۸) حرکات ادواری سیستم جهانی به تناوب رونق و کساد محدود نمی‌شود. شومپیتر در باره حالت نوسانی اختراعات بحث کرده و کندراتیف از بالا رفتن و کاهش تولید در عرصه جهانی سخن آورده است و ماندل و فرانک روند تراکم سرمایه را مطالعه کرده‌اند.

جهان به عنوان یک منظومه واحد البته به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود و دانشمندان می‌گویند این منظومه شامل ۲ بخش است:

۱- سیستم‌های جهانی نظیر سیستم اقتصادی، سیستم سیاسی و سیستم فرهنگی

۲- اجزاء سیستم که خود حالت منظومه‌ای دارند یعنی:

الف- ارتباط میان ملل مختلف ب- سیستم‌های بین‌الحکومات ج- سازمانهای بین‌المللی غیردولتی چون سازمانهای تجاری، صنعتی و مالی چندملیتی (یا فراملیتی). چنان که به اجمال آمد توجه به دنیا به عنوان یک منظومه واحد جهانگیر که قوانین خاص خود را دارد نخست در اقتصاد آغاز شد و این توجه مدیون رشد سرمایه‌داری و تعمیم لیبرالیسم اقتصادی بود که به شرکت‌های چندملیتی اجازه داد صحنه عمل خود را سراسر پهنه مسکون قرار دهند و گفتیم که ایمانوئل والراشتاین، آلبرت برگسن، سامیر امین به دنبال درک و کشف قوانین این جهان منظومه‌ای رفته‌اند.

دومین عاملی که به این توجه یاری کرد اکولوژی و خصوصا بحران محیط زیست بود که منجر به تشکیل اولین کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در استکهلم شد (۱۹۷۲) و در همان کنفرانس بود که هشیاری به این که زمین اکوسیستم واحدی است و هر لطمه به گوشه‌های از آن گوشه‌ای دیگر را متاثر می‌کند پدید آمد. قبل و بعد از این کنفرانس کلوب رم در ترویج اندیشه اکولوژی جهانی نقشی مهم ایفا کرد که از جمله کتابهای پرآوازش

کتاب "محدودیت رشد و توسعه" بود. بنابر این هم توجه به جنبه جهانی اقتصاد و هم جنبه جهان شمول محیط زیست در زمره فرآورده‌های نیمه دوم قرن بیستم، به خصوص دهه هفتاد، محسوب می‌شوند. ضمناً تشکیل سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته و تحول تدریجی آنها اندیشه مدیریت یا زمامداری جهانی Global Governance را که فکری سیاسی است مطرح کرد و کتاب معروف همسایگی جهانی ما (Our Global Neighbourhood) که در کنفرانس سران در کپنهاگ توزیع شد، و آثار متعدد دیگر خصوصاً از جانب فدرالیست‌های جهانی، ضرورت یک نظام مدیریت فراگیر را مطرح نظر مردم کرد.

به گمان نگارنده، بعد از آغاز دهه هفتاد که جوان‌ها در امریکا و اروپا تقریباً همزمان بر ضد تمدن مادی مصرف‌گرای ستیزه‌جوی معاصر سربلند کردند و حتی به دنبال فرهنگی در جهت خلاف فرهنگ حاکم رفتند (Counter Culture) و هم چنین در سالهای بعد با پیدا شدن کامپیوتر و اینترنت و پخش برنامه‌های تلویزیونی از طریق اقمار مصنوعی و نفوذ ظواهر تمدن امریکائی از قبیل لباس جین و خوراک سریع "Fast Food" فکر یک فرهنگ جهانی مطرح شد.

محققان به دو عنصر مهم دیگر فرهنگ جهانی اشاره می‌کنند: (۱) رواج و تعمیم سبک زندگی بورژوازی (۲) اهمیت یافتن دموکراسی و حقوق بشر (به طوری که اعلامیه جهانی حقوق بشر ملل متحد امروزه ضمانت یک سند فرهنگ امروزی را گرفته است). پیتر هاینتز Peter Heintz می‌نویسد (۹) شاید همین که معیارهای تازه‌ای در برنامه توسعه ملل متحد UNDP برای اندازه‌گیری میزان رشد و توسعه پیشرفت ممالک پدیدار شده و به کار رفته (معیار توسعه انسانی) دلالت بر عنصر تازه‌ای از یک فرهنگ جهانی می‌کند فرهنگی که در آن فقط "داشتن" ملاک ترقی و کمال نیست. (۱۰)

### اصول یک اخلاق جهان‌شمول در لوح دنیا

اشاره کردیم که لوح منیع دنیا هم کره ارض را به عنوان منظومه واحد می‌نگرد و هم توجه‌اش معطوف به یک نظام واحد سیاسی-اقتصادی است. اما نظر لوح مبارک مذکور به یک فرهنگ جهان‌شمول و خصوصاً اخلاقیات قابل تعمیم بر سراسر جهان نیز دوخته شده است. گواه آن این عبارت است: "عالم بین باشید نه خود بین" و مسؤولیت اهل بهاء را چنین تعیین فرموده‌اند "یا حزب الله به خود مشغول نباشید. در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید" و نیز "باید از شما ظاهر شود آن چه که سبب آسایش و راحت بیچارگان

روزگار است" و بالاخره "کمر همت را محکم نمایند شاید بندگان از اسیری فارغ شوند و به آزادگی رسند". از جلوه‌های این اخلاق جهان شمول احتراز از خشونت است چه "نزاع و جدال شأن درنده‌های ارض" دانسته شده است. تنها خشونت فیزیکی مطرح نیست بلکه از خشونت لفظی هم باید احتراز کرد "عموم اهل عالم باید از ضرر دست و زبان شما آسوده باشند".

محبت به عموم خلق، تعاون و تعاضد در ورای هر گونه تفاوت دینی، فرهنگی و قومی، صلح جوئی، خدمت به همگان و فضائلی از این گونه که در لوح دنیا و لوح سائره تشریح شده از جمله مبادی و مبانی این اخلاق جهان فراگیر است که این مقاله فشرده را مجال بحث آن‌ها نیست.

### تکرار کلمه بهاء در لوح دنیا

چنان که دوستان ارجمند ملاحظه فرموده‌اند کلمه بهاء از ابتدا تا انتهای لوح مبارک دنیا (۷) بار آورده می‌شود مثلاً در ابتدای لوح: "عليهما بهاء الله و بهاء من فی السموات و الارض" و نیز "النور و البهاء و التكبير و الثناء على ايدى امره". و در آخر آن: "البهاء من لدى الله رب العرش و الثرى عليكم يا اهل البهاء و اصحاب سفينة الحمراء".

اسم اعظم را نام بزرگ یا مهیمن خدا که صاحب خواص فراوان است دانسته‌اند ولی در تعریف آن میان علما اختلاف بوده. جرجانی در التعریفات آورده که اسم اعظم اسمی است که در برگیرنده همه اسم‌هاست. میبیدی در مصطلحات گفته: اسم اعظم در نهایت صفاتست و اطلاع بر آن موقوف صفاتست. اکثر مفسران اسم اعظم را دست نیافتنی دانسته و گفته‌اند اگر نزد کسی باشد مستجاب الدعوه می‌شود و از او کارهای شگفت ظاهر می‌شود. گویند که در طی تاریخ فقط سه تن اسم اعظم را شناخته‌اند و از این جمله است سلیمان نبی و از این روست که حافظ گفته:

سزد کز خاتم لعلش زنم لاف سلیمانی      چو اسم اعظم باشد چه باک از اهرمن دارم  
 شیخ بهائی را عقیده بر آن بود که اسم اعظم را در دعای سحر مسلمانان یافته است.  
 بهاء تنها کلمه ایست که هم صفات جمالیه و هم صفات جلالیه را در برمی‌گیرد یعنی هم زیبایی از آن افاده می‌شود و هم شکوه و جلال. مضاف بر آن بهاء به معنی نور و روشنائی است و در قرآن مجید و مکاشفات یوحنا به آن اشاراتی آمده است.  
 در قرآن فرموده است "الله نور السموات و الارض" (۲۴/۳۵) و در مکاشفات یوحنای مذکور (باب ۲۱/۲۵): "و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آنرا روشنائی دهد زیرا که

جلال خدا (بهاء الله) آن را منور می‌سازد".  
 ۵-۶/۲۲ "دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب ندارند زیرا خداوند خدا بر ایشان روشنی می‌بخشد و تا ابد الآباد سلطنت خواهد کرد."  
 و می‌دانیم که هر چند اسم بهاء الله و جناب بهاء از بدشت بر آن حضرت اطلاق شد اما از ادرنه بود که تحیت الله ابهی به میان آمد و بابیان مؤمن به آن حضرت به عنوان بهائی خوانده شدند.

#### شمارش مضامین عمده لوح دنیا

- ۱) حمد و ثنا به درگاه کبریا به مناسبت مسجونی جنابان علی قبل اکبر و حضرت امین
- ۲) تجلیل ایادی امرالله
- ۳) خطاب به ایرانیان و یادآوری گذشته درخشان ایران
- ۴) وعده فراگیری جهانی امر مبارک
- ۵) دستور نصرت امرالله
- ۶) نصایح قلم اعلیٰ به اهل بهاء (اصول یک اخلاق جهان شمول)
- ۷) اشاره ای به ارض طا و به یزد و ظالم ارض یاء
- ۸) دلسوزی برای اهل ایران
- ۹) تجلیل کلمه الهی که سبب اعظم از برای ارتفاع عالم و ارتقاء امم است
- ۱۰) ذکری از اصنام ظنون و اوهام که خلق را از صعود و علو مانعند
- ۱۱) باید در فکر اصلاح عالم بود نه خود بین
- ۱۲) قلم اعلیٰ در هر یک از آیات، ابواب محبت و اتحاد را باز نموده
- ۱۳) تأکید در فضائل اخلاقی چون ادب، محبت، استقامت
- ۱۴) باید کل اهل عالم به این ندا تمسک نمایند
- ۱۵) احراز استعداد عالم برای اصغاء کلمه الهی
- ۱۶) اشاره ای به بیانات صحیفه حمرا در سجن عکا که اداره خلق به آن مربوط است
- ۱۷) بیان اصول پنج گانه صلح اکبر - وحدت خط و لسان، توسل به اسباب الفت و محبت، تعلیم و تربیت اطفال، توجه کامل به زراعت
- ۱۸) اهمیت قوانین و احکام نازل از قلم اعلیٰ
- ۱۹) تأثیر مواعظ آن حضرت در اخلاق و رفتار اهل بهاء

۲۰. به حدی که دوستان از دشمنان در نزد امرا شفاعت کرده‌اند (قضیه قتل یکی از احباء در عشق آباد و میانجی‌گری احباء نزد اولیاء امور)
۲۱. افسوس که اهل ایران از بیانات مبارکه محروم بوده‌اند
۲۲. جواب به معرضین: در این ظهور ضرب رقاب (جهاد) و حرق کتب و اجتناب از ملل اخری و [سعی در] فنای احزاب ممنوع شد
۲۳. اشاره‌ای به لعن و طعن متداول نزد شیعه
۲۴. مناجات حضرت بهاء الله به درگاه خدا
۲۵. از برای ایران قانون و اصول و نظام مشورتی ضرور است
۲۶. تأیید دموکراسی پارلمانی انگلستان
۲۷. اهمیت خشیه الله زیرا تنها قصاص در قوانین عرفی کافی نیست
۲۸. کلمه الهی به مثابه نهال است که باید در دل پرورش داد
۲۹. منع اختلاف و اسباب و علل آن در این ظهور مبارک
۳۰. یاران باید در عطا ابر بارنده باشند و در اخذ نفس اماره شعله فروزنده
۳۱. اشاره به سید جمال الدین که به پایتخت ایران رفته و عده‌ای را مسحور خود کرده. اشاره‌ای نیز به اقوال و اعمال آن شخص
۳۲. پیشنهاد مناجاتی برای سید نامبرده
۳۳. انظار احباء باید متوجه افق "یفعل ما یشاء" باشد تا به نور توحید حقیقی فانز گردند (مراد اعتقاد به عصمت ذاتی مظهر امر الهی است)
۳۴. "این مظلوم در جمیع ایام من غیر ستر و حجاب امام وجوه اهل عالم نطق فرمود" (تضاد امر الهی با امور فتنه‌گران پشت پرده)
۳۵. تکریم علمای راشدین که اهل تقوی هستند
۳۶. درود و ثنا بر اهل بهاء و اصحاب سفینه حمراء

#### اشارات تاریخی در لوح مبارک

۱. قبلاً در مورد زندانی شدن حضرات حاجی آخوند و حاجی امین اشارت شد. اشاره تاریخی بعدی ظالم ارض یاء است ("از ظالم ارض یاء ظاهر شد آن چه که عیون ملا اعلی خون گریست") مراد از این حاکم ظالم شاهزاده محمود میرزا جلال الدوله حاکم یزد بوده است. تواریخ دال بر آن است که در ۱۹ ماه می ۱۸۹۱ هفت تن از یاران به دستور



جلال‌الدوله و به تحریک مجتهد شیخ حسن سبزواری به شهادت رسیدند (کتاب عالم بهائی، ج ۱۸، ص ۳۸۴).

۲. در همین لوح مبارک ذکر نفسی است که وارد مقر سلطنت ایران گشته و جمعی از بزرگان را به اراده خود مسخر نموده و بعد در باره شخص مذکور می‌فرمایند که پس از ایران به پاریس توجه کرد و جریده‌ای به اسم عروة الوثقی طبع کرد و به اطراف عالم فرستاد، مراد از این شخص سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی است متفکر پرآشوب و مروج پان اسلامیه Pan-Islamisme (تأکید بر اسلام به عنوان شریعت مرجع) که شرح احوال و افکار و آثارش تفصیلاً در کتب و مقالات بسیار آمده. جناب بالیوزی در کتاب بهاء الله شمس حقیقت در باره او می‌نویسند: "سید جمال‌الدین یک سیاستمدار آتشین مزاج عالم سیاست شرق بود و شدیداً از پان‌اسلامیه طرفداری می‌نمود و در مقابل امر مبارک حضرت بهاء الله به هیچ وجه حالت دوستانه‌ای نداشت. در عین حال مردی با استعداد، سخنور و عالم به شمار می‌رفت که هم زبان و هم قلمی آتشین داشت." جمال مبارک اشاره به سفر او به ایران می‌فرمایند که عده‌ای از رجال را تحت تأثیر خود قرار داد ولی مخالفان بی‌کار نشستند و طرحهای اصلاحی او را مورد انتقاد قرار دادند و نزد شاه شکایت کردند به حدی که مجبور شد مدتی بست نشیند تا از آسیب دولتیان محفوظ ماند و بالاخره وقتی از خاک ایران آزاد شد مبارزه‌ای شدید را بر ضد شاه (ناصرالدین شاه) آغاز کرد و بالاخره یکی از پیروان او موجب قتل شاه گردید. جمال‌الدین در سال ۱۸۴۸ در اسدآباد همدان متولد شد و در سال ۱۸۹۷ در استانبول درگذشت. از دوران جوانی و تحصیلات او در افغانستان، هندوستان و عراق و شاید استانبول اطلاع کافی و موثق در دست نیست. چندی وزیر امیر افغان محمد اعظم بود و با سقوط وی ناچار شد به سرزمین‌های دیگر کوچ کند (۱۸۶۸). در سال ۱۸۷۰ در استانبول بود و سخنان او موجب رنجش روحانیون شد. در سال ۱۸۷۱ به مصر (قاهره) رفت و در آن جا از جمله محمد عبده را به خود جلب و جذب کرد به طوری که بعدها همین شخص او را در تهیه و نشر عروة الوثقی یاری نمود. (۱۸۹۳) در افتادنش با خدیو مصر اسمعیل بار دیگر منجر به تبعید وی شد (۱۸۷۹) پس از حیدرآباد و کلکته به پاریس رفت (۱۸۸۳) و در آن جا بود که دوستانی چون ارنست رنان یافت. عروة الوثقی با سیاست انگلستان در مشرق‌زمین مبارزه می‌کرد و البته مطلوب خاطر اولیای امور نبود. در سال‌های ۱۸۸۷-۱۸۸۹ جمال‌الدین افغانی در روسیه سر در می‌آورد. به زودی رهسپار ایران می‌شود و نزدیک دو سال در آن

جا طرح‌های اصلاحی به ناصرالدین شاه پیشنهاد می‌کند. مخالفت درباریان و سوء ظن شاه در باره شخص او بالاخره منجر به تبعیدش در سال ۱۸۹۲ می‌شود.

بعد از ایران به لندن می‌رود و انتقادات و حملات شدید خود را بر ضد شاه ایران آغاز می‌کند و از کسانی است که در تحریک مردم بر ضد امتیاز تنباکو دخالت دارد بالاخره دعوت سلطان عبدالحمید را در سال ۱۸۹۲ می‌پذیرد و مقیم استانبول می‌شود و در همان جا در می‌گذرد.

برخی او را از متفکران بزرگ عالم اسلامی در قرن نوزدهم شمرده‌اند و از کسانی است که به طور جدی به احیاء اسلام کوشید. او در مقالات خود تمدن اسلام را می‌ستاید و اعتقاد خود را به تجدید حیات آن تمدن در آینده اظهار می‌دارد و اصول اخلاقی اسلام را در مقابل اخلاقیات غرب قرار می‌دهد. او را برخی پان‌اسلامیست شمرده‌اند در عین حال گفته‌اند که تکیه‌اش بیشتر بر سلطه عرب است و از طریق آن می‌خواهد اتحاد و آزادی ملل اسلامی را تأمین کند. به تحریک او بود که قتل ناصرالدین شاه توسط یکی از پیروانش در سال ۱۸۹۶ روی داد.

قبر او در استانبول مستور بود. حکومت افغان در سال ۱۹۴۴ از ترکیه خواست که جسد او را تحویل دهد و حال مقبره او در بنائی یادگاری در کابل قرار گرفته است.

۳. در لوح منیع دو بار اشاره به صحیفه حمراء می‌فرمایند که ممکن بود تصور شود اشاره به لوح مبارک عهدی است که هم جناب فاضل مازندرانی و هم جناب اشراق خاوری آن را به عنوان نعتی از لوح عهدی محسوب فرموده‌اند. اما چون در خود لوح می‌فرمایند که در سجن عکا نازل شده لذا در این مورد احتمال قوی آن است که مراد کتاب مستطاب اقدس بوده چنان که اصول مأخوذه از آن کتاب شریف (جز مورد زراعت) با صراحت بیشتری در لوح دنیا آورده شده است.

اما این که چرا کتاب اقدس را باید صحیفه حمراء خواند موضوع می‌تواند مورد تفسیرهای گوناگون باشد. در فرهنگ‌های مختلف "نمادها" رنگ سرخ به معنی رنگ حیات (خون - آفتاب) و رنگ عشق (گل - آتش) و رنگ شهادت و حتی رنگ جنگ تعبیر شده است و آن را رنگ شادی و سرزندگی نیز تلقی کرده‌اند. (۱۰)

ضمناً در پایان لوح مذکور از اهل بهاء به اصحاب سفینه حمراء تعبیر می‌فرمایند که از یک سوی سفینه نوح را به یاد می‌آورد و از سوی دیگر محتملاً رنگ حمراء اشاره به درخشندگی امر الهی است یا اشاره‌ای به آن است که این سفینه یعنی امرالله بر دماء

شهیدان جریان یافته است.

### یادداشتها

۱. نجات ظهور حضرت بهاء الله، ج ۴، ص ۳۲۹
۲. لوح دنیا در مجموعه الواح نازله بعد از کتاب اقدس در صفحات ۴۶-۵۶ درج شده است.
۳. چهار یا پنج سال قبل از صعود مبارک، جمال ابهی حضرات ایادی امرالله را تسمیه و تعیین فرمودند از جمله جناب علی اکبر شهمیرزای معروف به حاجی آخوند را که در الواح الهی جناب علی قبل اکبر خوانده شده‌اند و شرح احوال ایشان از جمله در تذکرة الوفاى حضرت عبدالبهاء آمده است صعود ایشان در سال ۱۹۱۰ روی داد.
- اما ملا ابوالحسن اردکانی امین حقوق الله بعد از حاج شاه محمد منشادی به این سمت منصوب شد و در سال ۱۸۹۱م همراه جناب علی قبل اکبر در طهران و قزوین در حدود سه سال زندانی بود. صعودش در سال ۱۹۲۸م واقع شد.
۴. دلسوزی خاص هیکل اقدس در مورد ایران در این لوح منیع آشکار است. چون این بیان: "آز برای ایران قانون و اصولی لازم و واجب"
۵. در این معنی است که سعدی علیه الرحمه گویند:  
دینی آن قدر ندارد که بر او رشک برند با وجود و عدمش را غم بیهوده خورند
۶. پیداست که در موارد اشاره به جنبه‌های جغرافیائی - سیاسی - اقتصادی دنیا به عنوان مجموعه‌ای کلی حضرت بهاء الله کار برد کلمه "عالم" را ترجیح می‌دهند هر چند که عنوان این لوح منیع "دنیا" است.
۷. رجوع کنید به مجله بین‌المللی علوم اجتماعی یونسکو به فرانسه و انگلیسی، شماره ۹۱ سال ۱۹۸۲
۸. والراشتاین، سامیر امین و فرانک به قضیه تقسیم کار میان مرکز و اطراف که یک خصوصیت نظام سرمایه‌داری جهانی است توجه کرده‌اند و نیز به مسأله نابرابری توزیع کالاها بین مرکز و حواشی که علت عمده توسعه نابرابر مناطق مختلف جهان است
۹. مجله بین‌المللی علوم اجتماعی یونسکو، شماره ۹۱
۱۰. در ملاک‌های توسعه انسانی بر عواملی چون طول عمر، دسترس به سواد و وضع بهداشت تکیه می‌شود در حالی که سابقاً فقط بر درآمد ملی و سرانه تأکید می‌شد.
۱۱. رجوع کنید به دائرة المعارف سمبول‌ها (نمادها) به زبان فرانسه که تحت نظر میشل کازناو تنظیم شده - ترجمه از آلمانی - نشر در سال ۱۹۹۶.